

## وحشتناک‌ترین پزشک ایرانی کیست/ پزشکی با یک سرنگ و ۵ قربانی مشهور

۲۸ دی ۱۳۹۴ ساعت ۱۶:۲۲

نام پزشک احمدی برای رجال سیاسی معاصر ایران، نامی آشنا و البته بسیار وحشت‌انگیز است. پزشک احمدی «طیب مخصوص زندان قصر» شد و قتل‌های بسیاری به دست او و با تزریق آمپول هوا صورت گرفت.

جوان و تاریخ: احمد احمدی مشهور به «پزشک احمدی» فرزند محمدعلی در سال ۱۲۶۶ هجری در شهر تبریز دیده به جهان گشود.

در سنین نوجوانی به کار فروش دارو سرگرم بود. در ۱۳۰۷ به تهران آمد و در بیمارستان سپه به کار پرستاری سرگرم شد. در ۱۳۱۰ راهی مشهد شد و در شمال این شهر دواخانه کوچکی دایر کرد و کار داروفروشی را از سر گرفت.

تجربه این کار وی را با انواع داروها و خواص آنها آشنا کرد به طوری که با همین تجربه در اینجا و آنجا به کار مداوای بیماران نیز می پرداخت. احمدی اندک زمانی بعد به تهران آمد و در یکی از ادارات دولتی مشغول کار شد.

به غیر از رئیس این اداره که وی را به درستی می شناخت سایرین وی را به عنوان «طیب» می شناختند و از هویت و سوابق وی اطلاعی نداشتند. احمدی با همین روابط توانست چندی بعد به شهربانی منتقل شود و در درمانگاه زندان قصر به کار مشغول شود.

کار مداوم و نوع خاص روابط احمدی با رئیس و مرئوس، وی را رفته رفته به شکل و هیات نهائیش نزدیک تر کرد و او را مورد اعتماد رئیس شهربانی و سایر سردمداران رژیم رضاشاهی ساخت. احمدی به تدریج تبدیل شد به کسی که قادر است مغضوبین رژیم را با دارو از میان ببرد. او در شهربانی کم کم به این ویژگی شهرت یافت.

نام پزشک احمدی برای رجال سیاسی معاصر ایران، نامی آشنا و البته بسیار وحشت‌انگیز است. پزشک احمدی «طیب مخصوص زندان قصر» شد و قتل‌های بسیاری به دست او و با تزریق آمپول هوا صورت گرفت.

پزشک احمدی خود به شهرت دلهره آور و هراس‌انگیز خودش واقف بود که چنین گفته است: «افراد باهوش در این مملکت

سرشان زیر سنگ گور کوبیده می‌شود. همه مرا آدم نفهم و ابله و مطیع و گوش به فرمانی می‌دانند؛ در حالی که من عمدا خودم را به حماقت می‌زنم و چاره‌ای هم ندارم. ببینید به سر نصرت‌الله فیروز و تیمورتاش که اعجوبه هوش و زرنگی و پشتکار و پشت هم اندازی بودند، چه آمد. اما من روز به روز بیشتر مقرب دستگاه می‌شوم و...».

وی متهم به قتل جعفر قلی‌خان بختیاری (سردار اسعد)، خان باباخان اسعد (برادر سردار اسعد)، محمد فرخی یزدی (شاعر و مدیر روزنامه طوفان)، دکتر تقی ارانی (رهبر گروه کمونیستی ۵۳ نفر) و تیمورتاش (وزیر دربار رضا شاه) بود. پزشک احمدی تحت فرمان دو رئیس شهربانی، آیرم و بعد مختاری خدمت کرده است و این دو رئیس شهربانی از مهم‌ترین عوامل کشتار، اختناق و سرکوب مخالفین رضاشاه بوده‌اند. بخشی از جنایات آنان مربوط به زندانیانی بود که از طریق قانونی نمی‌توانستند، اقدام به نابودی آنان کنند، بنابراین ناچار بودند با شیوه‌های بسیار محرمانه در زندان توسط پزشک احمدی آنان را به قتل برسانند.

پس از شهریور ۱۳۲۰ که نیروهای متفقین خاک ایران را اشغال کردند و رضاشاه پس از استعفاء، از ایران تبعید شد؛ موقتا آزادی‌های سیاسی در ایران دوباره طلوع کرد و در اثر فشار افکار عمومی و شجاعت برخی از دست اندرکاران قضایی؛ از جمله دکتر عباس عبده، دادستان وقت دیوان کیفر، عاملین کشتار زمان رضاخان از قبیل پزشک احمدی، سرپاس مختاری، مصطفی راسخ و حسین نیرومند به پای میز محاکمه کشیده شدند و پزشک احمدی که پس از شهریور ۱۳۲۰ (هش) به عراق گریخته بود، پس از مدتی دستگیر و با لباس عربی جهت محاکمه به ایران آورده شد. در رابطه با قتل جعفر قلی‌خان بختیاری (سردار اسعد)، دادستان دلایل مختلفی به دادگاه ارائه شد که یکی از آنها دلالت بر دست داشتن پزشک احمدی در قتل وی دارد.

سید احمد کسروی با اشاره به تناقضات بسیار زیاد در پرونده از موکل خویش دفاع نمود و هم‌چنین پزشک احمدی هم در دفاع از خود سخنان بسیار گفت.

در زندان موضوع آمپول احمدی به قدری رواج داشت که اگر یک زندانی می‌خواست درباره زندانی دیگری نفرین کند، می‌گفت: خدا به آمپول احمدی گرفتارت کند. یا اگر یک زندانی درباره دیگری می‌خواست، دعا کند می‌گفت: خدا به آمپول احمدی گرفتارت نکند».

«احمدی برای هر قتلی انعامی می‌گرفت. اگر مقتول از کله گنده‌ها مثل سردار اسعد و تیمورتاش بود، انعامش صد تومان و همین حدودها بود. و اگر از خرده پاهای و اشخاص غیر معروف در تهران و زندان بود، نفری ده الی پانزده تومان می‌گرفت. همان طوری که پاسبانان و مامورین شهرداری برای سگ کشی از قرار سگی پنج قران یا یک تومان می‌گرفتند، این احمدی هم مقاطعه برای آدمکشی داشت... احمدی هم آدم می‌کشت؛ اما با نرخ بیشتری و این اضافه نرخ خون انسان بر سگ نه از این جهت است که در نظر احمدی و دستگاهی که او در پناه آن کار می‌کرد، انسان با سگ فرق داشت بلکه اضافه را برای دادن تصدیق می‌گرفت».

احمدی، یک پسر بیچاره مازندرانی را که اصلا تقصیرش معلوم نبود، آمپول زد و بیچاره تا ۲۴ ساعت دائم فریاد العطش می‌زد و سر

خود را به دیوار می‌کوبید و آب می‌خواست ولی احمدی کمک به وی را ممنوع کرده بود وی تاکید کرده بود کسی نزدیک او نرود تا بمیرد و بالاخره بعد از ۲۴ ساعت که بدنش از تشنگی آتش گرفته بود، مرد».

در کتاب خاطرات علی آوانسیان هم از پزشک احمدی به عنوان قاتل عده‌ای از زندانیان سیاسی یاد می‌شود.

سرانجام پزشک احمدی

سرانجام دادگاه دیوان عالی جنایی، در ۳۰ بهمن ۱۳۲۲ پزشک احمدی را قاتل عمدی «فرخی یزدی» و «سردار اسعد» شناخت و به اعدام محکوم نمود که این حکم در مورد نامبرده اجرا گردید. نامبرده در میدان توپخانه و در کنار مجسمه رضاشاه، کسی که وی سالها برای او و به دستور او کار میکرده است بر بالای دار رفت.

منبع : فارس

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۲۹۳۱/۵/حشتناک-ایرانی-پزشک-ترین-و-حشتناک>